

در گفتگو با دکتر مهدی رباطی؛

اصلاح اقتصاد ایران به شرط اصلاح بازار سرمایه

اگرچه اقتصاد ایران در بعد تأمین مالی بانک‌محور به شمار می‌آید و تقریباً ۸۰ تا ۹۰ درصد تأمین مالی اقتصاد بر عهده بانک‌هاست، اما رشد بازار سرمایه در بازه زمانی سال ۹۷ تا مرداد ماه سال ۹۹ این تصور را در جامعه ایجاد کرد که دولت دوازدهم قصد دارد وزن بازار سرمایه در تأمین مالی اقتصاد ایران را افزایش دهد تا هم اقتصاد ایران به سمت مردمی شدن حرکت کند و هم اینکه بانک‌ها به واسطه کاهش بار تأمین مالی اقتصاد بتوانند اصلاحات ساختاری انجام دهند.

به گزارش خبرنگاران بورس، گزارش خبر، بعد از ریزش‌های تلخ بازار سرمایه در سال پایانی دولت دوازدهم که تکانه‌های آن همچنان ادامه دارد، مشخص شد که رشد بازار سرمایه در یک بازه زمانی تنها رویدادی گذرا بوده است و خبری از توسعه و پیشرفت بازار سرمایه به معنی واقع کلمه وجود ندارد.

دکتر مهدی رباطی یکی از کارشناسان بازار سرمایه با بیان اینکه در سال ۸۸ رهبر معظم انقلاب به طور مستقیم به اهمیت بازار سرمایه در حوزه تأمین مالی اقتصاد ایران اشاره داشتند و خواستار تقویت این بازار و سرمایه‌گذاری‌های مولد شدند، دلیل توجه رهبری به بازار سرمایه را جایگاه ویژه این بازار در مردمی‌سازی اقتصاد، حل چالش کسری بودجه، تکیه بر درآمدهای نفتی و همچنین شفاف‌سازی اقتصاد ایران و قیمت‌گذاری صحیح عنوان کرد. به باور این کارشناس اقتصادی اگرچه به درستی در ارکان حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران احساس شده که بازار سرمایه می‌تواند به عنوان یک منبع تأمین مالی مناسب برای اقتصاد نقش ایفا کند، اما به این دلیل که در حوزه بازار سرمایه دچار فقدان سیاست‌گذاری پایدار و بلندمدت هستیم، بورس در یک دوره دچار رونق کوتاه مدت می‌شود و بعد از این رونق، بازار با بی‌تفاوتی سیاستگذار و رکود و ریزش قابل ملاحظه مواجه می‌شود، به شکلی که تا سال‌های سال مردم برای ورود به بازار سرمایه دچار تردید و بی‌اعتمادی می‌شوند. در این میان از آنجایی که بازار سرمایه با احتساب مشمولان سهام عدالت بیش از ۵۰ میلیون سهامدار دارد که بخش زیادی از آن‌ها قبل از رؤیت سود با زیان سنگین آشنا شده‌اند و دولت سیزدهم با تبعات منفی ناشی از سوء مدیریت دولت دوازدهم در حوزه بازار سرمایه روبه‌روست، با دکتر مهدی رباطی گفتگو کردیم.

وضعیت کنونی بازار سرمایه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

متأسفانه در شرایط کنونی رغبت چندانی در بین سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری و ورود به بازار سرمایه وجود ندارد. یک جنبه دیگر کارکرد و در واقع جایگاهی است که بازار سرمایه باید در اقتصاد کشور داشته باشد. مثل بحث تأمین مالی، بحث رونق تولید و بحث تشویق جوانان به سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌ها که از این جنبه نیز به تبع اینکه بازار سرمایه وضعیت خوبی ندارد، شاهد این هستیم که بازار سرمایه عملاً کارکردی که باید داشته باشد را ندارد و نمی‌تواند نقش خود را ایفا کند.

متأسفانه حتی در دوره رونق بازار نیز بازار رویکرد و نقش اساسی خود در اقتصاد کشور را ایفا نکرد. این مسئله دلایل متعددی دارد که چرا این نقش ایفا نشد.

اما اگر بخواهیم وضعیت فعلی را بررسی کنیم، بازار سرمایه از هیچ یک از جنبه‌های خود وضعیت مناسبی ندارد و نقش ذاتی خود را به درستی ایفا نمی‌کند. حال و روز بازار سرمایه به هیچ وجه مناسب نیست و نیازمند تصمیم‌گیری توسط نهادهای ذی‌صلاح و نهادهای تأثیرگذار و سیاست‌گذار کشور برای نجات بازار هستیم.

به نظر من باید این واقعیت را کمی جدی‌تر در نظر گرفت. اگر بازار سرمایه به درستی سیاست‌گذاری شود می‌تواند نقشی بسیار جدی و پررنگ بر بهبود وضعیت اقتصاد کشور داشته باشد.

باید این را اضافه کنم که این مسائل تئوریک نیست. در دنیا دیده‌ایم که نقش بازار سرمایه یا بازار کلی که شامل سهام و اوراق و ابزارهای مالی است در مقابل اقتصادهای توسعه‌یافته به همان نسبت گسترده‌تر و بزرگ‌تر است و نقش پررنگ‌تری را در اقتصاد ایفا می‌کند.

ولی متأسفانه در ایران شاهد این بودیم که ظرف سال‌های گذشته که تنها به یک دوره نیز محدود نمی‌شود، بازار سرمایه توسعه خاصی پیدا نکرده است. در سال ۸۸ رهبری به طور مستقیم در صحبت‌های خود به بورس اشاره داشتند که سرمایه‌گذاری مولد است و باید تقویت شود. این نکته دلیلی دارد، چون اقتصاد ایران همواره با تکیه بر درآمدهای نفتی اداره شده است، اما به درستی در ارکان حاکمیت احساس شده است که بورس می‌تواند به عنوان منبع درستی برای تأمین مالی منابع اقتصاد کشور نقش ایفا کند، اما به این دلیل که ما در کشورمان در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد سیاست‌گذاری پایدار و بلندمدت نداریم، سیاست‌گذاری در مورد بورس نیز به شکلی اتخاذ شد که رونقی کوتاه مدت شاهد بودیم.

همان زمان هم ما نگران این مسئله بودیم و همه جا اشاره می‌کردیم بعد از رونقی کوتاه مدت بازار جوری دچار ریزش می‌شود که تا سال‌ها برای ورود به بازار سرمایه در بین مردم بی‌اعتمادی وجود داشته باشد. دقیق‌ترین صحبت در این مورد همین وضعیت است که اشاره شد.

دولت در اقتصاد کلان میراث‌دار وضعیتی بسیار پیچیده است و در این اقتصاد انتظاراتی برای مردم به وجود آمده است. دولت در این حوزه گرفتار است چه پیشنهادی برای دولت دارید؟

اقتصاد ایران تقریباً از ابتدای سال ۸۴ و ۸۵ وارد روندی شد که فارغ از ماهیت دولت‌ها روندی اشتباه در اقتصاد ایران شروع شد. این موضوع خود رابیشتر به شکل افزایش پایه پولی و نقدینگی کشور نشان داد که به صورت گلوله‌ای برفی دومینووار روز به روز حجم بحران در انتظار اقتصاد ایران را شدیدتر می‌کند و امروز در وضعیتی قرار داریم که گلوله برفی بحران با حجم بالایی ظرف ۲۰ سال گذشته جمع شده و به اینجا رسیده است و امید است این دولت راه علاج جدی و دقیق اتخاذ کند تا بحران اقتصادی به تهدید امنیتی و تهدیدی برای نظام تبدیل نشود.

راهکارها مشخص است که به چه اشکالی می‌توان اقتصاد ایران را از این وضعیت نجات داد. یکی از مهم‌ترین راهکارها توسعه بازار سرمایه است که چند دلیل وجود دارد. بسیاری فکر می‌کنند رونق در بازار یعنی متداوم بودن رونق و همواره ارزش معاملات بازار باید بالا باشد و فضایی نرمال وجود داشته باشد.

وقتی نمودار شاخص بورس تهران را با تمام کشورها جز ونزوئلا مقایسه می‌کنید، می‌بینید که تمام کشورها با روندی در شاخص بورس روبه‌رو هستند که

بازار همواره با شیبی ۲۰ تا ۳۰ درجه رشد می‌کند، اما در بازار سرمایه ایران وقتی روند شاخص را مشاهده می‌کنید، دقیقاً روندی غیرعادی وجود دارد و با دوره‌هایی از خط صاف و رکود چهار پنج ساله روبه‌رو هستید و بعد در دو سال به یکباره پیک ۷۰۰ و ۸۰۰ و ۱۰۰۰ درصدی مشاهده می‌شود و بعد ریزش شدید و باز رکودی بلند مدت و بعد پیک بعدی. این مسئله دلایل متعددی دارد.

بحران اقتصادی در ایران امروز به جایی رسیده است که اگر تصمیمات عاجلی برای این وضعیت گرفته نشود دیگر روند گذشته وجود نخواهد داشت. حال چه راهکارهایی وجود دارد؟ من به حوزه بازار سرمایه توجه می‌کنم. اگر بازار سرمایه توسعه پیدا کند نوسانات غیرعادی به طور اتوماتیک از بین می‌رود و بازاری وجود دارد که همواره رونقی نسبی خواهد داشت و فضای تأمین مالی جدی برای بنگاه‌های اقتصادی خواهد بود. بازاری خواهد بود که نقش نظام بانکی را در اقتصاد ما کمرنگ می‌کند. یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاد ایران این است که چرخ بانک‌ها به قیمت منافع اقلیتی بسیار اندک می‌چرخد. این اقلیت پول چاپ می‌کنند و با خلق پول بی‌مورد پانزی گیم می‌کنند و عامل رشد سرسام‌آور مسکن، سکه و دلار هستند.

این نکته برای همه واضح است که ما امروز به جایی رسیده‌ایم که فضای نظام سیاست‌گذاری کشور در حوزه‌های متعدد از جمله در اقتصاد باید تصمیمات درست و مهمی بگیرند. یکی از این تصمیمات توسعه جدی بازار سرمایه است. بورس ما نیازمند اصلاحات از بالا به پایین در فضای مدیریتی و در میکرواستراکچرها و ریزساختارهای خود و در بازتعریف نقشی است که باید در اقتصاد کشور داشته باشد. این موضوعات با طرز تفکرهای حاکم بر این بازار سامان نمی‌گیرد.

یعنی به اعتقاد شما اقتصاد بازار را عده معدودی به عبارت ساده می‌چرخانند یا گاهی دست‌کاری می‌کنند؟ وقتی افرادی یک دوره در جایی حاکم می‌شوند، فضا برای تفکر توسعه‌ای به سمت توسعه شخصی و تقویت تیم آن‌ها پیش می‌رود و به سمت و سوهای دیگری می‌رود. بازار سرمایه ایران امروز گرفتار این وضعیت است. مثلاً رهبری می‌فرماید ما نیازمند رونق تولید و تأمین سرمایه از بازار سرمایه هستیم.

کجای دنیا یک بنگاه وقتی می‌خواهد سهام خود را وارد بازار بورس کند باید دو سال در نوبت بایستد؟ مثلاً شما می‌خواهید روزنامه را وارد بورس کنید در همه جای دنیا ظرف یک ماه می‌توان این بنگاه را روی تابلو دید و سریع تأمین مالی می‌شود.

در این بین بانک‌ها نیز هیچ کاره هستند که به شما نزول بدهند! به سرعت به کار خود توسعه می‌دهید و مردم وارد اقتصاد می‌شوند و اقتصاد مردمی می‌شود. چرا در ایران به سمت بانک می‌روند؟ چون اگر به سرمایه نیاز داشته باشند دو سال طول می‌کشد تا بنگاهی وارد بورس شود. این یکی از مهم‌ترین معضلاتی است که اقتصاد ایران با آن مواجه است.

یعنی عده‌ای نان ایجاد بروکراسی‌های جدید و دست و پا گیر را می‌خورند؟ من افراد، مدیران و هلدینگ‌های مهم و بزرگی را می‌شناسم که می‌خواهند از بورس بیرون بیایند، چون می‌گویند ما می‌خواهیم افزایش سرمایه بدهیم و این درخواست پنج سال در رفت و برگشت است تا بتوانیم افزایش سرمایه خود را ثبت کنیم. پس بحث اول و بسیار مهم اصلاحات اساسی ساختاری، مدیریتی و رویکردی در بورس است.

بدون این اصلاحات بازار سرمایه نمی‌تواند در اقتصاد نقشی جدی ایفا کند. یکی از مهم‌ترین این اصلاحات این است که سازمان بورس و ارکان بازار باید از تصدی‌گری به سمت نگاه حاکمیتی و سیاسی حرکت کنند.

به بورس ربطی ندارد که در تک تک مجوزها و ساز و کارهای معاملاتی شرکت‌ها دخالت کند. اگر رئیس‌جمهور جدید و وزیر اقتصاد او واقعاً قصد دارند اقتصاد ایران را به سمت تحول ببرند، یکی از راهکارها بازار سرمایه است و با وضعیت فعلی در بازار سرمایه تحولی اتفاق نمی‌افتد.

باید نگاه جدید، افکار نو و مدیریت جدید و دلسوز و نگاه توسعه‌ای بر بازار حاکم شود و بازار سرمایه در جهت تسهیل مالی گام بردارد نه در این جهت که مانعی بر سر راه تأمین مالی شرکت‌ها باشد.

چرا وقتی بازدهی سرمایه‌گذاری در ایران صدها برابر سرمایه‌گذاری در امارات، ترکیه، امریکا و اروپاست، ولی سرمایه‌گذاری چندانی انجام نمی‌گیرد؟ در آن کشورها بازده سرمایه‌گذاری سالی دو سه درصد است و بازدهی ندارد، ولی در ایران فضای بعد از سرمایه‌گذاری قابل پیش‌بینی نیست و کسی که سرمایه می‌آورد نمی‌داند که فردا به یکباره او را به عنوان مفسد اقتصادی می‌گیرند یا نه! یا فردا بنیادی دست روی اموال او نمی‌گذارد به این بهانه که تو زمانی فلان کار را کرده‌ای! یا دارایی و سرمایه‌اش بلوکه نمی‌شود! یا تحریم جدید پیش نمی‌آید! غیر قابل پیش‌بینی بودن به طور کامل سرمایه‌ها را فراری می‌دهد و از این رو ما امروز شاهد این هستیم که نه تنها در کشور ما سرمایه جدیدی وارد نمی‌شود بلکه شاهد فرار سرمایه‌های کشور به ترکیه، امارات و اروپا هستیم. این آسیبی جدی برای اقتصاد ماست.

این وضعیت به طور جدی در بازار سرمایه نیز دیده می‌شود. وقتی سهامدار سهم می‌خرد باید هزار و یک ریسک را تحمل کند از سختگیری‌های نازل تا توقف نهاد. از همه مهم‌تر به مجمع می‌روید و سود می‌گیرید، ولی سود شما را نمی‌دهند. شرکت‌های بسیاری نزدیک به چهار سال سود سهامدار را پرداخت نکرده‌اند. در این مواقع سازمان بورس کجاست؟

وظیفه سازمان این است که وضعیت نقدینگی آن شرکت را بررسی کند و شرکت را وارد تابلوی پر ریسک کند. اینطور نیست که حرف‌های من را آقایان ندانند، بلکه تضاد منافع موجب شده است که این اصلاحات انجام نگیرد.

این وضعیت نیازمند سطحی بالاتر است؛ یعنی باید از رأس حاکمیت در این موضوعات ورود کنند تا این ریزساختارهای فسادزا که مناسبات فاسد مافیایی را در اقتصاد کشور از جمله در بازار سرمایه به وجود آورده است، کاملاً محو شود، نه اینکه همان افرادی که این بازارها را طی ۳۰ سال گذشته مدیریت کرده‌اند مجدداً جاهای خود را با هم عوض کنند و مناسبات مافیایی عوض شود.

به جهت تسهیل ورود به بازار سرمایه کنار بورس، فرابورس پدید آمد؛ یعنی این بازار نیز در جذب بنگاه‌ها و همچنین سرمایه موفق نبوده است؟ فلسفه تولد فرابورس چه بود؟ اسم فرابورس بورس است، ولی مأموریت آن به لحاظ ماهیت و ساختار زمین تا آسمان با بورس متفاوت بود. فرابورس برای تسهیل در تأمین مالی به وجود آمد تا ابزارهای مالی در فرابورس خلق شود و بتواند به اشکال مختلف سرمایه‌های مردم را جذب تولید کند، ولی متأسفانه در ۱۰ سالی که از زمان تولد فرابورس می‌گذرد یعنی از سال ۸۹ بود تا امروز شاهد این بودیم که فرابورس هم به جایی شبیه به بورس تبدیل شده است؛ یعنی کارکرد خود در اقتصاد کشور را ایفا نمی‌کند و همین مسئله نیز در مواردی که به آن‌ها اشاره کردیم، ریشه دارد.

به نظر من یکی از نقاط اساسی اصلاح ساختاری بازار سرمایه ما این است که فرابورس باید به مأموریت اصلی خود برگردد و کارکردهای خود را در بازار سرمایه ایفا کند، چون مأموریت بورس محدود است و وظیفه‌اش تنها ورود شرکت‌ها و مدیریت ناشران و اوراق بهادار است، ولی زمینه فعالیت فرابورس بسیار گسترده است.

تولد استارت‌آپ‌ها، پشتیبانی استارت‌آپ‌ها و ابزارها و اوراق‌ها همه باید در فرابورس انجام بگیرد. سال گذشته اتفاقاتی افتاد، ولی به نظر من فرابورس با آن چیزی که باید در اقتصاد ایران باشد و با نقش خود فاصله دارد.

این وضعیت در بورس کالا و بورس انرژی نیز دیده می‌شود و آن‌ها هم از مأموریت خود بسیار دور هستند، ولی وضعیت بورس کالا نسبتاً بهتر است و توسعه آن قابل‌توجه‌تر بود. دولت باید برای متحول کردن فرابورس عزمی جدی داشته باشد. ساده بگویم چرا بحث معاملات و سرمایه‌گذاری رمز ارزها

باید در ۳۰ تا ۴۰ صرافی بدون مجوز باشد که می‌شنویم پول مردم را بالا کشیده و رفته‌اند. معلوم نیست این‌ها که هستند و سود آن‌ها را چه کسی می‌برد؟! فرابورس می‌تواند به راحتی با تأسیس چندای تی‌اف رمزارز کار کند. اگر می‌خواهید بیت‌کوین را در صرافی غیرمجاز معامله کنید در فرابورس یک تابلو بالا ببرید دست فرابورس برای همه این‌ها باز است. تمام رمزارزهای دنیا را روی تابلو لیست کنید و بگذارید معاملات انجام شود و مالیات را دولت بگیرد. کارمزد را دولت بگیرد، چرا غیرمجاز انجام بشود؟! داستان این است. اگر فرابورس نقش خود را به درستی ایفا کند، ایران نه‌تنها برای داخل، بلکه برای کشورهای همسایه نیز پایگاه رمزارز می‌شود. این یکی از کارهایی است که فرابورس می‌تواند در کنار ۱۰۰ کار دیگر خود انجام بدهد، ولی تا اینجا انجام نداده است. ما در کشور محدودیت نداریم. همانطور که آقا صحبت می‌کنند و می‌گویند ما بن‌بست نداریم، ولی مناسبات مافیایی در مدیریت و اقتصاد ایران شکل گرفته است که اجازه اصلاح و ورود تفکرات نو و ایفای این برنامه‌ها را نمی‌دهد. می‌شود کار کرد. می‌توان تحول ایجاد کرد، پس بحث چیزهای دیگری است.